

گاهنامه سیاسی بصائر بسیج

صورت شیطانی استکبار در قرآن

با تاکید بر دیدگاه های رهبر معظم انقلاب

آبان ماه ۱۳۹۸

صورت شیطانی استکبار در قرآن

با تاکید بر دیدگاه های رهبر معظم انقلاب

مقدمه

عالم هستی بویژه موجودات مکلف فرازونشیب های فراوانی به خود دیده است. در فرایند زیست اجتماعی بشر برخی نقاط عطف تاثیرات سرنوشت سازی در حیات انسان داشته اند، این نقاط عطف در زمینه های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به انحاء مختلف قابل دسته بندی و بررسی هستند، اما آنچه در این نوشتار به عنوان نقطه تمرکز و یا دال مرکزی بحث قرار می گیرد مقوله روحیات و رفتارهای شیطانی است. روحیات و رفتارهای شیطانی گاهی در قامت فرد پدیدار می شود و خباثت های شگفت انگیزی از خود بروز می دهد و زمانی هم در جایگاه اجتماعی و فرهنگی و سیاسی ظاهر می شود که با استفاده از نفوذ و قدرت خسارت های جبران ناپذیری بر جای می گذارد.

با این توصیف باید به این سوال ها پاسخ داد که صورت شیطانی استکبار در قرآن کریم چیست؟ و خداوند متعال چگونه این موجود وسوسه گر و گمراه کننده را توصیف کرده است؟ استکبار در جایگاه قدرت های سلطه گر چه شاخصه هایی دارد و چگونه باید با آن مقابله کرد؟ صورت شیطانی استکبار در اندیشه سیاسی رهبر معظم انقلاب با چه ادبیاتی توصیف شده است.

پیشینه و سابقه موضوع

بررسی نقش شسطان در تباهی انسان و جامعه انسانی ریشه ای به دازای تاریخ بشر دارد. روحیه و رفتارهای شیطانی در حوزه فردی و اجتماعی تا جایی ویرانگر بوده است که سقوط تمدن ها و استحاله و انحراف فرهنگ ها و توقف افتخارات انسانی را در پی داشته است. شیطان با سرپیچی از فرمان الهی به نخستین پیامبر برگزیده سجده نکرد و بدین واسطه از درگاه ربوبی رانده شد. شیطان بر این اساس دست بردار نبود و تمام نفوذ و توان خود را برای انتقام از انسان و جامعه انسانی بکار برد.

شیطان امت های نوح، موسی، عیسی، صالح، لوط و دیگر امت ها را با وسوس جذب خویش به تباهی کشاند. این وسوسه ها آنچنان تاثیر گذار بود که در اغلب موارد مردم را از مکتب هدایت گر و حیات بخش رسولان الهی دور ساخت، تکثیر و تكثر مذاهب، فرقه ها و نحله های مختلف در بسیاری از موارد با وسوسه شیطان رخ داده است. منازعات خونین پیروان ادیان با یکدیگر محصول طرفندهای شیطانی بوده و بسیاری از امپراطوران با وسوسه های شیطانی و هواهای نفسانی خود به قتل و غارت پرداخته اند. با این وجود خصیصه

های شیطانی در وجود بسیاری از انسانها و در قاموس بسیاری از رژیم ها ریشه دوانیده و خوی و خصلت شیطانی و استکباری در آنها نهادینه شده است.

امروز امریکا و انگلیس و صهیونیسم بین الملل مظهر اصلی صفات شیطانی هستند. ناامنی ها، تحریکات و منازعات در گوشه و کنار جهان ناشی از مداخلات و تحریکات و شیطنت های آنها شکل می گیرند و گسترش می یابند. نقش شیطان در انحراف و انحطاط و گمراهی انسان از جمله معدود مسائل و موضوعاتی است که در میان پیروان ادیان و حتی در میان بشریت از اجماع لازم برخوردار می باشد و تردیدی نیست که سعادت و کمال انسان و جامعه بشری تنها در گرو دوری از وساوس شیطان و نظامهای شیطانی است، چنین مقام مطلوبی با انسان سازی و پاکسازی جامعه تحقق می یابد.

مفاهیم کلیدی

۱- شیطان

شیطان موجودی از جن بود که بواسطه کثرت عبادت تقرب پیدا کرد و با ملائکه ارتباط داشت اما این عبادات باعث تکبر او شد. شیطان عبادت کرد اما روحیه عبودیت او ضعیف بود بدین خاطر استکبار ورزید و به فرمان الهی در سجده بر حضرت آدم عمل نکرد و رانده شد.

در قرآن کریم مطالب بسیار مهمی پیرامون «شیطان» آمده است که هر عاقلی را سخت تکان می دهد و به تامل جدی وا می دارد. شیطان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس بود «و کان الشیطان لربه کفورا» (اسراء/ ۲۷) شیطان نسبت به پروردگارش نافرمان بود «ان الشیطان کان للرحمن عصیا» (مریم/ ۴۴) شیطان دشمن آشکار انسان است «ان الشیطان للانسان عدو مبین» (یوسف/ ۵) شیطان بسیار شکست دهنده و خوار کننده است «و کان الشیطان للانسان خذو لا» (فرقان/ ۲۹) «فاز لهما الشیطان فاخرجهما مما کان فیه» (بقره/ ۳۶) شیطان تصمیم دارد بنی آدم را به سرنوشت پدر و مادرشان مبتلا کند پس باید شدیداً از فتنه او برحذر باشید «یا بنی آدم لا یفتنکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنه» (اعراف/ ۲۷)

شیطان در حقیقت مانع و سد تکامل انسان، به سوی تقرب خدا است. شیطان از خداوند، مهلت خواسته که تا روز قیامت در انسانها القای وسوسه کند. شیطان قسم یاد کرده که همه انسانها را به جز مخلصین به گمراهی بکشاند. همه انسانها حتی اولیا و متقیان از شر او، ایمن و مصون نیستند و در قرآن کریم شیطان به عنوان مظهر فساد و منشا بدیها معرفی شده که انسان را از روشنائی ایمان به تاریکی کفر و شرک دعوت می کند و در احادیث، مبارزه با این دشمن درونی که همان نفس اماره می باشد به عنوان جهاد اکبر، معرفی شده است.

برای نجات از شر این دشمن خطرناک باید «استعاذه» کرد. خداوند متعال، به پیامبر می‌فرماید که چون از شیطان رجیم به تو وسوسه‌ای رسید از خداوند متعال پناه بخواه زیرا او شنوای داناست «اما نیز عنک من الشیطان نزع فاستعذ بالله سمیع علیم». پناه خواهی از خداوند عالی‌ترین مراحل پناهندگی و بزرگترین ضامن اجرای مقررات اخلاقی است. کسانی که به خدا ایمان دارند و از روی حقیقت او را یگانه معبود شایسته پرستش می‌دانند بر هواپرستی و مال پرستی و شهوت پرستی و نظائر اینها نمی‌گیرند.

واژه شیطان در قرآن کریم به صورت مفرد هفتاد بار و به صورت جمله شیاطین هجده بار استعمال شده است و شیطان اسم عام است برای هر موجود متمرّد شریر و احیانا در روایات بر موجودات موذی و مضر هم اطلاق می‌شود و این کلمه در واقع وصف است نه اسم علم، اکثر لغت شناسان اصل کلمه شیطان را از «شطن یشطن» به معنای دور شده از خیر می‌دانند و در مورد عربی بودن با غیر عربی بودن این کلمه میان لغت‌شناسان اختلاف وجود دارد ولی اکثریت لغت شناسان آن را عربی و مشتق از ابلیس می‌دانند که به معنای کسی است که از رحمت خدا مایوس شده است و کلمه ابلیس نیز یازده بار در قرآن کریم آمده است. (شعراء/ ۹۵ و سباء/ ۲۰) بعضی این کلمه را عربی و مشتق از ابلیس می‌دانند و بعضی می‌گویند عجمی و جامد است که از زبان دیگر وارد عربی شده است ولی رای اکثریت این است که مشتق از «ابلیس» و به معنای کسی است که از رحمت خدا مایوس شده است.

۲- استکبار

استکبار از تکبر ورزیدن در برابر خالق هستی و سرپیچی از وحی الهی است. همان کاری که شیطان مرتکب شد قدرت های شیطانی هم مرتکب می شوند. زمانی فرعون ها ادعای خدایی و برتری و استکبار می کردند، در عصر حاضر امریکا به عنوان نماد استکبار است، نظام سلطه گر شامل مثلث شوم امریکا، انگلیس و صهیونیسم بین الملل اکنون بر تمامی مقدرات بشر حاکم شده اند و انسانها و ملت ها و دولت ها را به تبعیت از خود دوری از خدا و دین حق فرا می خوانند. استکبار جهانی امروز با جمهوریت ایران مشکل دارد چرا که دست وی را از استراتژیک ترین منطقه خاورمیانه کوتاه کرده است. استکبار با اسلامیت هم مشکل دارد، ولی با اسلامی که امام راحل(ره) مفسرش بود و اکنون رهبر معظم انقلاب منادی و پرچمدار آن است، یعنی اسلام ناب محمدی (ص)، و گرنه این همه مسجد در عربستان نماز می خوانند و هیچ کس ترسی از آن مسجد و از آن اسلام ندارد که اسلام امریکایی با اسلام سیاسی حامی عدالت علوی (ع) و نهضت حسینی (ع) هراس دارد نه از اسلام سلطنتی کاخ های سبز اموی و وهابی و سکولار.

مستکبران در قرآن کریم در جریان پیشبرد اهداف استکباری از سیاست‌هایی در مقام ترفند برای اغفال هرچه بیشتر طرفداران جبهه استکباری و همچنین سست کردن بنیان‌های اعتقادی جبهه مستضعفین مدد می‌جویند.

آیت‌الله خامنه‌ای از ابتدای برعهده گرفتن مسئولیت رهبری جمهوری اسلامی تاکنون، در تداوم خط مشی معمار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی(ره)، پیوسته راهبرد استکبارستیزی را سرلوحه‌ی کارها قرار داده‌اند و ابرقدرت جهانی یعنی آمریکا را به عنوان اصلی‌ترین آماج این راهبرد معرفی کرده‌اند. به عبارت دیگر ایشان همچون امام راحل یک رابطه‌ی غیریت‌شدید میان انقلاب اسلامی و دولت آمریکا تعریف نموده و علی‌رغم وجود برخی صداهایی که گه‌گاه در داخل در حمایت از نزدیکی به آمریکا بلند می‌شود، در جایگاه ترسیم‌کننده‌ی جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی کشور ضمن اتخاذ مواضع صریح و روشن، همواره ترک مخاصمه و دوستی با ابرقدرت نظام بین‌الملل را در صورت تداوم خوی استکباری آن ناممکن ارزیابی کرده‌اند. برای مثال در اول فروردین‌ماه ۱۳۸۸ در حرم مقدس رضوی عنوان کردند: «تا وقتی دولت آمریکا روش خود را، عمل خود را، جهت‌گیری خود را، سیاست‌های خود را مثل این سی سال علیه ما ادامه دهد، ما همان آدم سی سال قبل، همان ملت این سی سال هستیم.»

استکبار یک مفهوم؛ آمریکا یک مصداق است

از منظر رهبر معظم انقلاب راز عداوت دیرینه‌ی نظام اسلامی با آمریکا در این نکته نهفته است که آمریکا بی‌تردید بارزترین مصداق برای مفهوم استکبارگری در دوران معاصر به شمار می‌آید. ایشان صراحتاً اظهار می‌دارند: «برای ما آمریکا خصوصیتی هم ندارد... مسأله‌ی ما، مسأله‌ی استکبار است؛ منتها دولت آمریکا دولت مستکبری است. هر دولت دیگر هم که همین خصوصیت را داشته باشد، بخواهد زور بگوید و بخواهد فشار بیاورد، ملت ایران با او همین طور خواهد بود.» پس آنچه که اصالت دارد استکبار است و آنچه که آمریکا را به خصمی غیر قابل معاشرت بدل می‌سازد، همانا روح استکباری نهادینه‌شده در ذات آن می‌باشد. ایشان همچنین بر این نکته تأکید می‌ورزند که استکبارستیزی و به تبع آن آمریکاستیزی، نه سیاستی ساخته و پرداخته‌ی دولتمردان جمهوری اسلامی بلکه نشأت‌گرفته از بطن تعالیم عالی‌هی اسلام می‌باشد و ما به اقتضای مسلمانی ملزم به عمل بر وفق آن هستیم. با این حساب راهبرد استکبارستیزی به عنوان جهت‌گیری اصلی انقلاب اسلامی در عرصه‌ی سیاست خارجی، بر شالوده‌ی اصول سیاسی و بین‌المللی اسلام استوار می‌باشد و برای ریشه‌یابی آن می‌بایست به بررسی در آیات قرآن کریم بپردازیم.

تقابل واقعی ساختار دوقطبی جهان از آغاز خلقت

اسلام با رویکردی کلان، نظام جهانی را به صورت دو قطبی می‌نگرد و دو جبهه‌ی ایدئولوژیک را رویاروی یکدیگر می‌نشانند که در یک سو جبهه‌ی حق با عناوینی چون «اولیاء خدا»، «حزب‌الله» و «مستضعفین» و در سوی مقابل، جبهه‌ی باطل با عناوینی نظیر «اولیاء طاغوت»، «حزب‌الشیطان» و یا «مستکبرین» قرار

دارد. نقطه‌ی آغاز کشمکش و جدال حق و باطل، ماجرای خلقت انسان و استنکاف شیطان از اجابت فرمان الهی برای سجده در برابر آدم بوده است. از آن زمان شیطان نخستین سنگر مخالفت و عناد را در برابر حق تعالی بنا می‌نهد و جدالی را آغاز می‌کند که در سراسر تاریخ با اشکال و صبغه‌های گوناگون بین رهروان او و مؤمنان به خداوند - یا به عبارت دیگر دو جناح خیر و شر- در جریان بوده و تا پایان تاریخ نیز به همین منوال ادامه خواهد داشت.

رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «اصلاً مفهوم استکبار در قرآن همین است که عنصری یا شخصی یا جمعی یا جناحی، خود را بالاتر از حق به حساب آورد و زیر بار حق نرود و خود و قدرتش را ملاک حق قرار بدهد. اولین مستکبر در تاریخی که قرآن برای ما ترسیم می‌کند، ابلیس است: «ابی واستکبر». او اولین مستکبر است.» این رویارویی میان دو جناح حق و باطل، ماهیتی گذرا و مقطعی ندارد بلکه در طول تاریخ و در زمانی به درازای عمر حضور بشریت بر روی سیاره‌ی خاکی مستدام بوده است، یعنی از ابتدای هبوط آدم بر زمین تا امروز، زمینیان یا در جبهه‌ی حق به رهبری پیامبران و اولیاء الهی و یا در جبهه‌ی باطل به سرکردگی شیطان گردآمده‌اند. قرآن کریم صفبندی میان دو جناح مذکور را در آیه ۷۶ از سوره‌ی نساء آشکارا به تصویر می‌کشد: «الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت فقاتلوا اولیاء الشیطان ان کید الشیطان کان ضعیفاً». (نساء/ ۷۶) (کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه خدا جهاد می‌کنند و کافران در راه طاغوت می‌جنگند. پس با یاران شیطان نبرد کنید زیرا حيله‌ی شیطان قطعاً ضعیف است.)

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این رویارویی مستمر تاریخی چنین می‌فرماید: «ممکن نیست فرض کنیم که یک مسلمان یا مؤمن یا موحد، حتی یک روز یا یک لحظه، از دشمنی با ابلیس و شیطان منصرف بشود. اصلاً خط اسلام، یعنی خط ضد ابلیس و شیطان. در طول دعوت انبیا. مستکبران کسانی بودند که دعوت الهی و توحید را قبول نکردند و با آن به مقابله برخاستند و زور گفتند: «قال الملائة الذین استکبروا من قومه لنخرجنک یا شعیب». وقتی پیامبر سخن حق می‌گوید و مردم را به حق دعوت می‌کند، مستکبران می‌گویند: اگر زیاد حرف بزنی، تو را اخراج می‌کنیم.»

سرنوشت نهایی و عاقبت تقابل دو جبهه اسلام با استکبار

اگر تاریخ را همچون یک لوکوموتیو تصور کنیم، از نظرگاه اندیشه‌ی اسلامی این لوکوموتیو تحت تأثیر قوانین متافیزیکی کیهانی بر روی ریلی قرار گرفته است که آن را به سوی ایستگاه آخر سیر می‌دهد. اسلام ایستگاه آخر را نابودی حتمی تمامی نیروها و ایدئولوژی‌های الحادی و غلبه‌ی اجتناب‌ناپذیر حق پرستان و سرانجام، تحقق ایده‌آلیسم اسلامی تحت لوای هژمونی یک «دولت جهانی» به رهبری واپسین بازمانده از نسل رهبران الهی می‌داند. آیه‌ی ذیل به روشنی گویای این حقیقت ناب می‌باشد: «ان یمسکم قرحٌ فقد مس القوم قرحٌ

مثله و تلك الأيام نداولها بين الناس و ليعلم الله الذين آمنوا و يتخذ منكم شهداء والله لا يحب الظالمين، و ليمحص الله الذين آمنوا و يحمق الكافرين»: گر زخمی به شما می‌رسد، آن قوم (کافران) را نیز زخمی همانندش رسید و این ایام پیروزی را میان آدمیان به نوبت می‌گردانیم تا خدا کسانی را که ایمان آوردند بشناسد و از ایشان شهیدانی بگیرد و خدا ستمکاران را دوست نمی‌دارد [گرچه گاه پیروزی را نصیبشان سازد] و تا خدا کسانی را که ایمان آوردند از عیوب و ناخالصی‌ها پاک نماید و کافران را از بین ببرد. (آل عمران/ ۱۴۱-۱۴۰)

باید توجه داشت که در آیه‌ی مذکور، کلمه‌ی «مَحَق» به معنای کاهش و نابودی تدریجی است. لذا این مفهوم از آن مُستفاد می‌گردد که مطابق سنت الهی، حیات کفر و شرک تدریجاً به ورطه‌ی نابودی می‌رود، کافران از صحنه‌ی روزگار محو شده و حکومت واحد جهانی تشکیل خواهد شد.

رهبر معظم انقلاب نیز در بیانی که از اعتقاد راسخ ایشان به این نوید محتوم قرآنی حکایت دارد، بر قطعی بودن غلبه جبهه‌ی حق و اضمحلال جبهه‌ی استکباری طاغوت در پایان رویارویی تاریخی صحنه می‌گذارد: «ما یقین داریم که در این کارزاری که بین حق و باطل، امروز راه افتاده است- کارزار بین اسلام و معارف اسلامی و بیداری اسلامی از یک سو، و طمع‌ورزی‌های استکباری سیاست‌های شیاطین عالم و در رأس آنها شیطان بزرگ یعنی دولت امریکا از یک طرف دیگر- پیروزی با ماست؛ پیروزی با طرف حق است. در این هیچ تردیدی وجود ندارد. همه‌ی قرائن این را نشان می‌دهند و تأیید می‌کنند. طبیعت سنن الهی هم همین است؛ یعنی غیر از این معنی ندارد. آن گروهی که طرفدار حقند اگر بایستند و اقدام بکنند، شکی نیست که بر باطل پیروز خواهند شد.»

رهبر انقلاب از دریچه‌ی این الگوی دوقطبی قرآنی به محیط بین‌الملل می‌نگرند و لذا خط‌مشی کلان انقلاب اسلامی را همواره بر مبنای تقابل بنیادین با بلوک استکبار جهانی ترسیم می‌کنند. امروزه همگان معترفند که جمهوری اسلامی در صف اول مبارزه با مستکبران مخصوصاً آمریکا ایستاده و مقاومت در برابر سلطه‌گری ابرقدرت جهانی را به عنوان سیاست استراتژیک خود تعریف کرده است. اما باید توجه داشت که مسأله‌ی «دگرسازی» از آمریکا و پای‌فشاری بر موضع قهر و مخاصمه، ناشی از سلیقه و صلاحدید شخصی رهبر ایران یا سایر دولتمردان نبوده بلکه در راستای اجرای نقشه‌ی راه مصرح قرآن کریم پیرامون جدال تاریخی دو جبهه‌ی مؤمنین و مستکبرین صورت می‌پذیرد. در حقیقت رویکرد استکبارستیزی پیامد طبیعی درون‌مایه‌ی انقلابی و ایدئولوژیک نظام اسلامی به حساب می‌آید و این مسأله می‌تواند چارچوب مناسبی را برای تحلیل درست رفتار سیاسی ایران در اختیار پژوهش‌گران قرار دهد.

برنامه‌ها و اقدامات شیاطانی استکبار

۱- تبلیغات گمراه‌کننده و اغواگر

در منطق قرآن کریم یکی از مهمترین ابزارها و حربه های شیطان و استکبار تبلیغات گمراه کننده است. «وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ» (اسراء/ ۶۴) که به معنی هرگونه تبلیغات گمراه کننده که در آن از وسایل صوتی و بصری استفاده می شود، جهت انحراف از راه حق تفسیر کرده اند.

۲- فشار و تحریم اقتصادی و در مزیقه قرار دادن انسانها و ملت ها

تحریم و محاصره اقتصادی از شیوه های مؤثر و متداولی است که از زمان های قدیم برای مواجهه با دیگران کاربرد داشته و اکنون هم دارد. برای سرکوب انقلاب های توحیدی، مستکبران در طول تاریخ از این روش کمک جسته اند. محاصره حضرت رسول (ص) و یارانشان در شعب ابیطالب و محاصره امام حسین (ع) و همزمانشان در عدم دستیابی به آب نمونه های تاریخی در این باره هستند. قرآن درباره منافقان عهد حضرت رسول (ص) می فرماید: «آنها کسانی هستند که به یکدیگر می گویند: به کسانی که نزد پیامبر خدایند انفاق مکنید تا پراکنده شوند. حال آنکه گنجینه های آسمانها و زمین از آن خداست ولی منافقان در نمی یابند.» (منافقون / ۷)

۳- فریب و اغفال ساده لوحان

براساس آیه ۶۴ سوره مبارکه اسراء استفاده از وعده های مغرورکننده و انواع فریبها و نیرنگها، یکی دیگر از برنامه های شیطان است، آنها روانشناسان ماهری را برای اغفال و فریب مردم ساده دل و حتی هوشیار تربیت کرده اند.

۴- مرعوب سازی و تهدید

وقتی فرد یا جماعتی از نظر روحی شکست خورد و در مقابل دشمن احساس ضعف کرد، تسلط بر او کار دشواری نخواهد بود، لذا در رقابتها و مبارزات علیه یکدیگر، ابتدا سعی بر این است که طرف مقابل را با تهدیدها از میدان بیرون و با ترس افکندن روحیه او را تضعیف کنند و بعد در صورت مقاومت، مراحل بعدی عملیات را شروع کنند. مانند حربه فرعون در تهدید پیروان حضرت موسی. (طه/ ۷۱)

۵- شکستن حس اعتماد بنفس و تحقیر

چنانچه کسی را تحقیر کنید می توانید بر او تسلط روانی پیدا کنید. در طول تاریخ مستکبران پیوسته بدین شیوه عمل کرده و بر مردم حاکم شده اند. فرعون از جمله مستکبرانی است که از این شیوه برای حاکم شدن بر اراده مردم استفاده کرد: «پس قوم خود را سبک مغز یافت [و آنها را فریفت] و اطاعتش کردند چراکه آنها مردمی منحرف بودند.» (زخرف/ ۵۴)

۶- متهم ساختن

مستکبران همواره رهبران حق و رسولان خدا را متهم به اموری می‌کردند تا دعوت راستین ایشان را دروغین نشان دهند و بدین وسیله مردم را علیه ایشان برانگیزانند. فرعون هنگامی که با دعوت موسی (ع) روبه‌رو می‌شود، برای خنثی کردن اثر دعوت او بر اطرافیانش، درصدد توجیه معجزات موسی برآمد و به اطرفیان خود گفت: «واقعاً این ساحری بسیار داناست.» (شعراء/ ۳۴) فرعون فکر می‌کرد چون در آن زمان سحر رایج بود، این اتهام بهتر از هر چیز دیگر مؤثر واقع خواهد شد.

۷- تطمیع

دولت‌ها و انسان‌هایی که به دنبال استخدام افراد در جهت اهداف خود هستند، افراد حریص را با وعده‌های دنیوی به سوی خویش می‌کشند. تطمیع به عنوان یکی از ابزار جذب افراد و گروه‌ها در انحطاط و سقوط از مسیر الهی، در طول تاریخ در سطوح فردی و بین‌المللی کاربرد داشته است. هنگامی که قرار بر این شد تا موسی (ع) با ساحران تحت حاکمیت فرعون رقابتی داشته باشد، فرعون به ساحران وعده داد در صورتی که بر موسی (ع) غالب شوید «حتماً از [زمره] مقربان خواهید شد.» (شعراء/ ۴۱ و ۴۲)

۸- تحریک احساسات و دور کردن افراد از عقلانیت

فرعون برای اینکه مردم را در مقابل موسی قرار دهد، دعوت او را توطئه‌ای برای اخراج مردم از سرزمینشان به حساب می‌آورد و می‌گوید: «ای موسی آمده‌ای تا با سحر خود ما را از سرزمینمان بیرون کنی؟» (طه/ ۵۷) این تهمت، تهمتی سیاسی است تا بدان وسیله افکار عمومی را علیه او بشوراند و او را دشمن ملت معرفی کند، دشمنی که می‌خواهد با نقشه‌هایش آنان را از وطن، آب و خاکشان بیرون کند.

۹- فضا سازی سیاسی روانی و مدیریت اذهان

اگر فضای سالم بر جامعه حاکم باشد، وجدان‌های پاک و فطرت‌های سالم انسان‌ها به دنبال حق خواهند رفت لذا سعی شیاطین این است که حق را با باطل درهم آمیزند و باطل را به عنوان حق به مردم تحمیل کنند. یکی از نیرنگ‌های سیاست‌بازان این است که هرگاه حادثه مهمی بر خلاف میل آنها واقع شود برای منحرف ساختن افکار عمومی از آن، فوراً دست به کار خلق صحنه تازه‌ای می‌شوند که افکار توده‌ها را به خود جلب و از آن حادثه نامطلوب منحرف و منحرف کنند.

۱۰- شایعه سازی و دروغ پراکنی

شایعه در اشکال مختلف آن، سلاحی خطرناک در خدمت جنگ روانی است و برای تخریب روحیه انسان‌ها، تضعیف و فلج کردن اندیشه آنها به کار می‌آید. قرآن کریم به بسیاری از شایعاتی که از سوی ضعیف‌النفس‌ها، منافقان و یهودیان ساخته و پرداخته شده، اشاره کرده است.

۱۱- سازشکاری

همواره از جمله مهمترین اصول مبارزه مستکبران با نهضت‌های الهی، سیاست گام به گام بوده است. شیاطین جن و انس برای نفوذ در یک فرد متعالی یا یک نظام الهی به تدریج و با احتیاط و طبق برنامه عمل می‌کنند. اگر اقداماتی که در لحظات اولیه برای به سازش کشیدن یک نهضت انقلابی صورت می‌گیرد با عکس‌العمل شدید رهبران انقلاب روبه‌رو نشود، دشمنان را در مقابله با آن حرکت دینی حریص‌تر و امیدوارتر می‌کند. قرآن تمایل مستکبران را در به سازش کشیدن رهبران دینی، اینگونه بیان می‌دارد: «دوست دارند که نرمی کنی تا نرمی کنند.» (قلم/۹) مراد این است که دوست دارند کمی تو از دینت مایه بگذاری، کمی هم آنان از دین خودشان مایه بگذارند و هر یک درباره دین دیگری مسامحه روا بدارد. (علامه طباطبایی، المیزان: ج ۱۹، ص ۶۲۱)

امریکا «طاغوت اعظم» و «شیطان اکبر» است

حضرت آیت الله خامنه‌ای در جمع شرکت کنندگان سی و سومین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم، با تاکید بر اینکه امریکا «طاغوت اعظم» و «شیطان اکبر» است، گفتند: امروز مهمترین وظیفه علما، روشنفکران و نخبگان، روشنگری در قبال فریبکاری‌های دشمنان است و امت اسلامی نیز باید فریب وعده‌های قدرتها را نخورد و از تهدیدهای آنها نهراسد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، قرآن را محور «وحدت امت اسلامی» خواندند و افزودند: در شرایطی که سیاست‌های استکبار بر ایجاد اختلاف و درگیری میان مسلمانان متمرکز است، امت اسلامی باید با تمسک به این نعمت بزرگ الهی در مسیر وحدت و انسجام حرکت کند. معظم له با اشاره به تلاش گسترده قدرتهای طاغوتی برای ضربه زدن به اسلام و امت اسلامی، گفتند: آنها می‌دانند که اگر مسلمانان قدرت داشته باشند، قادر به ظلم به ملت‌ها نیستند و موضوع فلسطین به‌عنوان غصب یک کشور اسلامی به فراموشی سپرده نخواهد شد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، با اظهار تاسف از تمسک برخی کشورهای اسلامی به طاغوت به جای تمسک به خدا، تاکید کردند: کشورهایایی که در منطقه، مجری سیاست‌های امریکا هستند، در واقع به امت اسلامی خیانت و زمینه نفوذ آمریکا را فراهم می‌کنند. ایشان، ایمان و پایداری ملت ایران و ایستادگی آنان در مقابل زیاده خواهی‌های امریکا را عامل اصلی اقتدار جمهوری اسلامی ایران دانستند و تاکید کردند: علت هراس قدرتها از ملت ایران و انواع توطئه‌ها برضد این ملت، اقتدار بر مبنای اسلام، است و دشمن از «اسلام مقتدر» می‌ترسد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، ظهور گروه‌های تروریستی تکفیری در منطقه و ایجاد جنگ و اختلاف میان مسلمانان به نیابت از دشمنان را نتیجه گمراهی و فقدان روشنگری برشمردند و تاکید کردند، بدون تردید «جبهه کفر»، سرانجام در مقابل «جبهه اسلامی مبارز و مجاهد» وادار به عقب نشینی خواهد شد.

تفرقه و اختلاف حربۀ کارآمد استکبار

شیطان منادی تفرقه و اختلاف ایت تا انسانها را بجان یکدیگر انداخته و انتقام دیرینه خود را از نسا آدم بگیرد. اکنون شیطان بزرگ از حربۀ تفرقه بینداز و حکومت کن استفاده می کند. امام خمینی در این زمینه هشدار می دهد و می فرماید: «این یک نقشه ای بود و شماها باید در آنجا کوشش کنید که این نقشه را خنثی کنید. اینکه بین مسلمین جدایی بیندازند، مسلمین را چند طایفه کنند - خصوصاً بین شیعه و سنی - یک فاصله زیادی ایجاد کنند.

امام راحل تاکید می کند: دشمنان غرضشان این بود که هر دو ضعیف بشوند. بنا شد که این گروه های عظیمی که هستند، یا سنی یا شیعه، در پاکستان و در ایران و دیگر جاها - اقلیت های کمی هم هستند، [اما] مهم اینها هستند - بنا شد که بین اینها آنچنان جدایی بیندازند و فاصله ایجاد کنند که اذهانشان از مسائل دیگر بکلی منحرف بشود؛ همه اذهان بیاید سراغ اینکه خودشان با هم دعوی کنند. این هم یکی از نقشه هایی بوده است که از قدیم الایام اینها، شیاطین، درست کرده اند؛ و از احساسات اسلامی اینها استفاده کرده اند؛ از احساسات مذهبی استفاده کردند. نه اینکه آنها می خواهند مذهب شیعه در پاکستان و در ایران باشد، و نمی خواهند مذهب سنی باشد؛ هیچ کدام را نمی خواهند که باشد.

اینها می خواهند اسلام نباشد. برای اینکه از اسلام خوف دارند! ترس دارند. این مسلمینی که یک میلیارد جمعیت هستند اگر اینها با هم بشوند - آدابشان علی حده، هر کس آداب خودش را انجام بدهد. هر کدام کارهای مذهبی را انجام بدهد، اما در کنار هم باشد - اگر یک میلیارد مسلم در دنیا به هم مجتمع بشوند، قدرتشان بالاترین قدرت است. از این قدرت دیگر بالاتر نمی شود. اما آنها نمی گذارند این مطلب بشود. آنها دنبال این هستند. حکومت هاشان را وادار می کنند، بذر نفاق می پاشند بین اینها.» (صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۰۷)

راهبرد تمدن نوین اسلامی

حضرت آیت الله خامنه ای با استناد به تجربۀ تاریخی ایجاد و شکوفایی تمدن اسلامی فرمودند: مسیر تبدیل ایران عزیز به یک کشور اسلامی الگو، البته زمان بر است و نیازمند همت و تلاش بی وقفه مسئولان و ملت می باشد. ایشان تنها راه تبدیل ایران به یک کشور نمونه را تکیه بر ظرفیتها و امکانات داخلی برشمردند و تأکید کردند: تحقق این هدف، نیازمند راهبرد و برنامه ریزی صحیح، کار و تلاش بی وقفه و پرهیز از تنبلی و بیکارگی و اعتماد و اطمینان به دشمنان است. گاه دشمن موانعی بر سر راه ایجاد می کند که می توان با عقل و تدبیر این موانع را برطرف کرد اما در هیچ شرایطی نباید به او اطمینان کرد.

ضرورت بی‌اعتمادی به استکبار

رهبر معظم انقلاب «تجربه برجام» را نمونه‌ای روشن از درستی ضرورت بی‌اعتمادی به دشمنان خواندند و تأکید کردند: امروز حتی مسئولان دیپلماسی و کسانی که در مذاکرات حضور داشته‌اند، این واقعیت را تکرار می‌کنند که امریکا نقض عهد می‌کند و در ورای زبان چرب و نرم خود، به مانع تراشی و تخریب روابط اقتصادی ایران با دیگر کشورها مشغول است. البته چندین سال است موضوع بی‌اعتمادی به امریکایی‌ها را تکرار می‌کنیم اما برخی، سختشان بود این واقعیت را قبول کنند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر تجربه اندوزی ملت ایران از رفتار امریکا در قضیه برجام گفتند: آنها می‌گویند بیایید در مسائل منطقه هم مذاکره کنیم، اما تجربه برجام به ما می‌گوید این کار سمی مهلک است و در هیچ مسئله‌ای نمی‌توان به حرفهای امریکایی‌ها اعتماد کرد. اگر دشمن انسان، حداقل به حرفش پایبند باشد می‌شود در برخی موارد با او گفتگو کرد اما اگر مثل امریکایی‌ها، نابکار باشد و برخلاف لبخندِ ظاهری، از نقض عهد ابایی نداشته باشد، نمی‌توان و نباید با او مذاکره کرد و این واقعیت، علت مخالفت مستمر بنده با مذاکره با امریکایی‌هاست.

ایشان، مشکلات و چالش‌های منطقه‌ای ایران و امریکا را با مذاکره، غیرقابل حل دانستند و تأکید کردند: باید با عزم راسخ در راه صحیح پیشرفت مادی و معنوی کشور حرکت کنیم؛ آن وقت همه خواهیم دید که دشمن به دنبال ما می‌دود نه ما به دنبال دشمن. امریکایی‌ها می‌خواهند همه چیز را بگیرند و هیچ چیز ندهند و مذاکره با چنین دولتی به معنای «انحراف از راه صحیح پیشرفت کشور، دادن امتیازهای پی‌در پی و تحمل عملی زورگویی، تخلف و نقض عهد» آنهاست.

امریکا همچنان شیطان بزرگ است

رهبر معظم انقلاب با اشاره به تعبیر فوق‌العاده امام خمینی (رض) که امریکا را شیطان بزرگ می‌نامید، تأکید کردند: براساس آیات قرآن، شیطان در قیامت به پیروانش می‌گوید باید خود را سرزنش کنید که چرا به وعده دروغین من اعتماد کردید و امروز نیز بی‌توجهی به دروغین بودن وعده‌های امریکا و اعتماد به او، مصداق همین مسئله خواهد بود.